

لنین در باره آزادی اجتماعی زن

و. ای. لنین

دوم فروردین ماه هشتاد و هفت

نظر اساسی آثار لنین در این است که وظائف و منافع کارگران زن و زنان دهقان چیز خاصی نیست و جدا از وظائف و منافع پرولتاریا به طور کلی نمی باشد. همه مسائل مربوط به منافع کارگر زن و یا زن دهقان، در باره کارگر مرد و مرد دهقان هم صادق است و درخواستهای مشترک زحمتکشان در مبارزات آنها علیه استثمار کنندگان، سرمایه داران و زمینداران نمودار می شود. و به همین مناسبت لنین به شدت علیه سازمانهای زنانه بورژوائی بود، که کوشش می کنند زن از مبارزه طبقاتی دور بماند و او را به سوی راه نادرست مبارزه میان دو جنس می رانند.

لنین درباره آزادی اجتماعی زن

لنین تئورسین بزرگ و رهبر انقلاب سوسیالیستی، مؤسس حزب پرولتری طراز نوین و برپاکنده نخستین دولت سوسیالیستی کارگران و دهقانان جهان می باشد.

گوشه ای در سراسر جهان نیست که نام لنین شناخته نشده باشد. نام او با بهترین دست آوردهای انقلابی قرن بیستم پیوند دارد. افکار جاودانی او تأثیر عمیقی در روند پیشروی جهان داشته و دارد. قرنها خواهد گذشت، اما نام لنین از خاطره میلیونها انسان زوده نخواهد شد، زیرا او نمودار فصل تازه ای در زندگی بشریت است.

ارثیه تئوریک و ایدئولوژیک لنین، عظیم و پایان ناپذیر است. او دانشمند بزرگ انقلاب و انقلابی برجسته ای از نقطه نظر عملی می باشد. امروز هیچ رشته تئوریک و یا عملی نهضت انقلاب وجود ندارد که با نبوغ لنین روشن نشده باشد. آثار او کمک می کنند که جریان پیچیده گذشته و آینده را بهتر درک کرده و آتیه کمونیستی را به طور علمی پیش بینی کنیم. در میان تغییرات بزرگ اجتماعی، لنین به آزادی زن، شرکت او در نهضت انقلابی، مبارزه برای برابری واقعی زن و مرد در جامعه و خانواده توجه زیادی داشت و تغییرات عظیمی که در این باره در قرن ما به وجود آمده از لنین است. همه میدانند که در طی قرون، زن مظلومترین، تحقیر شده ترین موجود میان همه مظلومان و استثمار شدگان بوده است. در همه ادوار تاریخ دانشمندان اجتماعی و فیلسوفها کوشش می کردند که این وضع ناهنجار زن را در اجتماع درست جلوه دهند.

دانش بورژوازی در برخورد با موضوع زن از مرتجعترین عقاید دوران بردگی و فئودالی سرچشمه می گیرد. دانشمندان جامعه شناس بورژوا می خواستند برای پستی زن و ناقابلی او در درک درست، یک توضیح علمی بدهند. آنها مصرانه می گفتند که وضع پست زن در اجتماع وابسته به خصوصیات ساختمان بدنی اوست، وظائف مادری، تنها خاص او است و علاقه او به کار خانه و پرورش کودکان می باشد.

متفکران گذشته که دارای افکار پیشرو بودند از منافع زن دفاع می کردند، به خصوص اهمیت آزادی اجتماعی او را

متذکر می گشتند و با متفکرین مرتجع در می افتادند. مثلاً فیلسوفهای مترقی فرانسه که مخالف فئودالیسم بودند و پس از آنها هم «اوتوپبیستها»^۱ و سوسیالیست های تخیلی همین عقاید را دنبال می کردند.

انگلس هنگامیکه ارزشهای بزرگ شارل فوریه^۲ (Ch. Fourier) را برمی شمرد چنین می نویسد او نخستین کسی است که می گوید: «در هر اجتماعی میزان آزادی همگانی بستگی به میزان آزادی زن دارد.»

دمکراتهای انقلابی روسی مانند بلینسکی (Belinski)، چرنیشوسکی (Tchernychevski) و دیگران خواهان برابری زن و مرد بودند. چرنیشوسکی می نویسد: «چه روحیه درست، قوی و تیزبینی طبیعت به زن داده است. این روحیه به درد اجتماع نمی تواند بخورد، زیرا اجتماع آنرا به دورمی اندازد، له می کند، خفه می نماید، درحالی که تاریخ بشریت می توانست ده برابر زودتر به جلو برود اگر این روحیه به جای دور افتادن و از بین برده شدن به کار گرفته می شد.» دمکراتهای انقلابی می خواستند که در آموزش و پرورش زن تغییر اساسی داده شود و می گفتند که او باید در همه شئون زندگی اجتماعی شرکت داشته باشد و زن و مرد از نقطه نظر قانون مدنی باید برابر باشند.

مسئله را به این شکل مطرح کردن در واقع برای آن دوران، انقلابی و شجاعانه بود، اما دمکراتهای انقلابی نتوانستند ریشه ها و علل اجتماعی نابرابری زن را روشن سازند و راهای صحیح را برای آزادی او نشان دهند. تنها کارل مارکس و فریدریش انگلس پایه گذاران کمونیسم علمی قوانین عینی نشو و پیشرفت جامعه انسانی را کشف کردند و توانستند این مسئله را حل نموده و توضیح دهند. آنها همه «تئوریهای» ارتجاعی را به دور انداختند و در آثار خود ثابت کردند که پایه بردگی زن علل اجتماعی و اقتصادی دارد و زبردست بودن زن از روزی به وجود آمده است که مالکیت خصوصی و سائل تولید به میان آمد. این پیش آمد از یک سو، زن را وابسته به شوهر و پدر کرد و از سوی دیگر صحنه بر بردگی اجتماعی او گذاشت. زن برده، دهقان، قابل خرید و فروش و بعداً پرولتر شد.

در نخستین برنامه مارکسیسم «مانیفست حزب کمونیست» کارل مارکس و فریدریش انگلس می نویسند که تنها برقراری مالکیت اجتماعی می تواند در وضع زن که امروز نقشش تنها آلت تولید بچه بودن است تغییر به وجود آورد. بزرگترین کار لنین در این است که با در نظر گرفتن دوران تاریخی جدیدی، دوران امپریالیسم و انقلابهای پرولتاریائی، تئوری مارکس و انگلس را در باره زن گسترش داده و مشخص تر کرده است.

موضوع زن در نظریه مارکسیستی-لنینیستی جداناپذیر از مسئله اجتماعی به طور کلی است و حل آن به طور قاطع وابسته به تغییر انقلابی اجتماع است. این جزئی است از مسئله انقلاب پرولتاریائی، پیروزی و نیرومندی دیکتاتوری پرولتاریائی و ساختمان جامعه نوین کمونیستی.

در پایان قرن گذشته لنین علاقه زیادی به موضوع آزادی زن ابراز می داشت. در یکی از گفتگوهایش با کلارا ستکین (Klara Zetkin) درباره برخورد کمونیستها به موضوع و مسائل مربوط به زن می گوید: هیچ کاردستی را نمی توان بدون تئوری مارکسیستی انجام داد و در اینباره هم کمونیستها باید اصول بسیار درست و روشنی را رعایت نمایند. در ۱۸۹۹ آنگاه که لنین در تبعید بود و تنها با نامه در باره مسائل مورد نظرش با حزب بحث می کرد و مسائلی را که لازم می دانست در نشریات پنهانی منتشر شود، می نوشت، «زن و مسئله کارگر» را نوشت و در همان زمان او به ن-کروپسکایا (N. Kroupskaia) کمک کرد که طرح یک نشریه به نام «کارگر زن» را که کروپسکایا نوشته بود کامل نماید و پس از آن این نشریه در سال ۱۹۰۱ در روزنامه «ایسکرا» (Iskra) در خارج منتشر شد. این نخستین کتابی

است که سوسیال دموکراسی انقلابی روس در آن نظریه خود را در باره موضوع زن مطرح کرده است و زن را جزء جداناپذیر امر پرولتاریائی، به طور کلی دانسته است.

در بیش از پنجاه اثر لنین می توان تجزیه و تحلیل مسائل گوناگون مربوط به آزادی زن را دید. از جمله در باره وضع زن و کودک در جامعه سرمایه داری، هدفها و وظائف نهضت انقلابی زن در روسیه تزاری و مقام او در مبارزه پرولتاریائی به طور کلی و همچنین در باره شرکت زن در انقلاب، امکانات آزادی واقعی او و نقش وی در ساختمان سوسیالیسم و نهضت بین المللی زن.

در یک گروه از آثار لنین که در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم نوشته شده، لنین وضع سراپا تحقیر شده زن را که در فشار است در جامعه استثمار کننده نشان می دهد.

لنین توجه خاصی به وضع رنجبار زنان دهقان نشان می دهد، زنانی که در آن دوران اکثریت زنان زحمتکش روسیه بودند. او بدی و نادرستی روند سیاسی و اجتماعی روسیه پیش از انقلاب را نشان می دهد، کار زنان را روی زمینهای بزرگ اربابی برای مثال می آورد، که زنان می بایستی برای پرداخت قیمت زمینهای که دهقانان برای کشت گرفته بودند با کار خود بر روی زمینهای ارباب پردازند.

لنین به شدت، استثمار وحشیانه زنانی را که در خانه کار می کردند، محکوم کرده است و تذکر می دهد که این نوع کار بی برو برگرد با شرایط ناسالم محیط و ساعات زیاد و بی مرز کار وابسته است.

در بعضی از آثار خود، لنین برخورد خود را در باره کار زنان در صنعت با در نظر گرفتن رشد سرمایه داری روشن می نماید. با اینکه سرمایه داران زن را به صورت وسیله ای که وحشیانه استثمار می شود، در آورده اند، لنین به شرکت او در کار تولیدی همانند یک پدیده مترقی می نگرد، زیرا این شرکت، زن را از محیط تنگ خانواده و آشپزخانه بیرون می کشد و آگاهی طبقاتی او را بالا می برد و او را وارد مبارزه پرولتری می کند.

لنین در باره دو جنبه این مسئله چنین می نویسد: «هیچ جای تردید نیست که این گروه از مردم در کارخانه ها در موقعیتی بس دردناک قرار داده شده اند...، اما با همه اینها ارتجاعی و خیالپردازانه است اگر کار زنان و جوانان در صنعت قدغن شود و خواهان ادامه شکل زندگی پدرشاهی باشیم که این نوع کار را نمی پذیرد. با درهم ریختن شکل زندگی پدرشاهی این قشرها... با شرکت مستقیم آنها در تولید اجتماعی و صنعت بزرگ مکانیکی، نشو و نمای آنها تقویت می شود و استقلال آنها زیادتر...»

با همه اینها لنین تذکر می دهد که در شرایط جامعه بوژوازی، سیر پیشروی دخالت زن در تولید اجتماعی با آزاد شدن او پایان نمی یابد و نمی تواند هم چنین باشد. برعکس، کار او و خود او به عنوان زحمتکش، وسیله استثمار سرمایه داری قرار می گیرد و وسیله ای برای افزودن بر منافع آنها می شود. (سرمایه داران با دنبال کردن سیاست حقوق کمتر برای کار زن موفق می شوند که دستمزد کارگران مرد را پائین بیاورند و بدین طریق شکافی در طبقه کارگر به وجود آورند.) لنین مرتب هماهنگی هدفها و وظائف مبارزه برای آزادی زن و مبارزه عمومی طبقه کارگر در راه آزاد شدن همه زحمتکشان از استثمار و برانداختن سرمایه داری و برپا ساختن سوسیالیسم را تذکر می دهد.

نظر اساسی آثار لنین در این است که وظائف و منافع کارگران زن و زنان دهقان چیز خاصی نیست و جدا از وظائف و منافع پرولتاریا به طور کلی نمی باشد. همه مسائل مربوط به منافع کارگر زن و یا زن دهقان، در باره کارگر مرد و

مرد دهقان هم صادق است و درخواستهای مشترک زحمتکشان در مبارزات آنها علیه استثمار کنندگان، سرمایه داران و زمینداران نمودار می شود. و به همین مناسبت لنین به شدت علیه سازمانهای زنانه بورژوائی بود، که کوشش می کنند زن از مبارزه طبقاتی دور بماند و او را به سوی راه نادرست مبارزه میان دو جنس می رانند.

لنین می نویسد: «قدم اساسی، برانداختن مالکیت خصوصی بر زمین، کارگاهها و کارخانه ها می باشد. این است و تنها همین است که راه آزادی کامل و واقعی زن را باز می نماید.»

لنین به طور منظم و بارها لزوم شرکت فعال زنان را در مبارزات انقلابی پرولتری نشان می دهد. از همان آغاز نهضت کارگری، لنین در باره این مسئله می اندیشید: چگونه می شود آگاهی را در کارگران زن و زنان دهقان بیدار کرد و چگونه می توان آنها را بشرکت در سازمانها و جنبش توده ای واداشت.

پس از آن لنین این تز بسیار مهم را تنظیم نمود: بدون شرکت بخش عظیمی از زنان زحمتکش، انقلاب سوسیالیستی نمی تواند وجود داشته باشد. لنین مطمئن بود که شرکت زنان در جنبش انقلابی، آزادی کامل آنها، برابری آنها، نه تنها برای خود زنان لازم است، بلکه برای همه زحمتکشان و استثمار شدگان واجب است.

شرکت زنان در جنبش انقلابی روسیه

گسترش جنبش کارگری در روسیه، کار سیاسی و سازمانی که حزب لنینیستی در میان کارگران زن و زنان دهقان نمود به کشانده شدن و درگیر شدن زن در مبارزه سیاسی انقلابی علیه استبداد و سرمایه داری کمک زیادی نمود.

لنین معتقد بود که نهضت زنان باید یک نهضت توده ای باشد. او می گفت: «ما کمونیستها می خواهیم که هر آنچه که کارگر زن، زن کارگر، زن دهقان و حتی زنان و مردان قشر متوسط شهری را در فشار می گذارد، از میان برداریم. حتی این امر از خیلی جهات شامل زنان وابسته به طبقات مرفه هم می شود. در جامعه سرمایه داری، زن زحمتکش از دو فشار رنج می برد، یکی چون عضو طبقه کارگر است و دوم برای اینکه زن است، اما زنان دیگر طبقات هم از بی حقی خود رنج می برند و آنها هم به موفقیت مبارزه برای حل موضوع زن علاقمند می باشند.»

سوسیال دموکراسی انقلابی به ابتکار لنین حتی پیش از ایجاد حزب در کار تبلیغاتی خود در میان زنان زحمتکش از اعلامیه ها و دیگر نشریات مخفی استفاده می کرده است. یکی از نخستین اعلامیه ها که در باره مبارزه آزادیبخش طبقه کارگر به دست خود لنین در سال ۱۸۹۵ در زندان نوشته شده بود برای کارگران و کارگران زن کارخانه «تورنتون» (Thornton) در پترسبورگ بود.

رزنامه ایسکرا که به دست لنین در سال ۱۹۰۰ بوجود آمد و در خارج به چاپ می رسید و از راههای پنهانی در روسیه پخش می شد نقش خاصی در بیدار کردن و آگاهی زنان زحمتکش داشت. خواستهای حزب برای آزادی زن در نخستین برنامه حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه منعکس گردید که در کنگره دوم حزب در سال ۱۹۰۳ به تصویب رسید. این برنامه خواهان مواد زیر بود:

حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای همه، چه مرد و چه زن، برای همه مردم بدون در نظر گرفتن جنسیت، مذهب و ملیت. آموزش عمومی و تخصص اجباری و رایگان برای همه کودکان از دو جنس، کار روزانه هشت ساعته، ممنوع کردن کار برای افراد کمتر از ۱۶ سال، ممنوع شدن کار زن در صنایعی که ممکن است به تندرستی آنها زیان وارد سازد، ایجاد شیرخوارگاهها، دادن مرخصی با حقوق به زنان برای زایمان، دادن ساعات آزاد برای شیردادن،

زیر نظر گرفتن و حمایت کار زن.

نخستین انقلاب روس در ۱۹۰۵ که در واقع مرور همگانی انقلاب ۱۹۱۷ بود، تعدا زیادی زن را به جنبش انقلابی کشید و این امر در واقع برای آنها آشنائی با آتش بود. کارگران زن نه تنها در میان اعتصاب کنندگان و تظاهر کنندگان بودند، بلکه در سنگرها هم بودند. لنین در مقاله خود «درسهای قیام مسکو» که نمودار شجاعت و قهرمانی زنان است چند نمونه از کارهای آنها را آورده است. مانند: «کراسنایا پرزنیا» (Krasnaia Presnia) دو دختر جوان پرچم سرخ را پیشاپیش جمعیت ده هزار نفری می بردند که قزاقها پیدایشان شد. آنگاه این دو دختر خود را به جلوی آنها رساندند و فریاد کشیدند: «ما را بکشید، تا ما زنده هستیم شما به این پرچم دست نخواهید یافت...» لنین می نویسد: «این نمونه های بیباکی و قهرمانی باید برای همیشه در وجدان کارگران نقش ببندد.

روزنامه بلشویکی پر اودا نقش بزرگی در پرورش ایدئولوژیکی زنان زحمتکش بازی کرد. مقاله هایش علل فشاری را که بر روی زنان زحمتکش در اجتماع سرمایه داری وارد است روشن می نمود و اطلاعات و دستور برای مبارزه می داد و اصول انترناسیونالیسم پرولتاریائی را پخش می کرد.

نقش بسیار مهم پرورش و گسترش جنبش انقلابی زن به عهده ماهنامه (Rabotnitsa) یا «کارگر زن» ارگان حزب بلشویک و اگذار شد. این مجله به ابتکار لنین در سال ۱۹۱۴ به وجود آمد.

همزمان با تبلیغات در میان زنان کارگر، به خاطر جداکردن آنها از جنبش زنان بورژوائی و کشاندن آنها به یک مبارزه انقلابی فعال، لنین و حزب توجه بسیار به تربیت انقلابیون حرفه ای داشتند که می توانستند به موازات دیگر فعالیت های انقلابی، کار تبلیغ سیاسی را در میان کارگران زن بنمایند.

نام زنان بلشویک و انقلابی حرفه ای مانند کروپسکایا (همسر لنین)، ماریا اولیانوا (Maria Oulianova) (خواهر لنین)، الکساندرا کولونتای (Kollontai Alexandra) (اولین زنی که به سفارت رسید و سفیر شوروی در سوئد گردید)، اینس آرماند (Iness Armand) و تعداد زیادی زنان انقلابی دیگر، مشهور خاص و عام می باشد.

در پرتو کار سازمانی و تبلیغاتی حزب لنینی، زحمتکشان آماده شدند که در انقلاب دمکراتیک بورژوائی ماه فوریه شرکت نمایند. این را دیگر همه می دانند که زنان فعالانه در این انقلاب شرکت داشتند. روز هشتم مارس (۱۹۱۷) برابر با ۳ فوریه ۳، روز بین المللی زنان، زحمتکشان زن به کوچه های پتروگراد ریختند و علیه تزاریسیم، جنگ امپریالیستی و قحطی اعتراض کردند. س. ساموئیلوا (C. Samoiloa) انقلابی بسیار معروف در خاطراتش در این باره چنین می نویسد:

«این تظاهرات انقلابی زنان زحمتکش که از کینه نسبت به ظالمین ابدی می جوشید، جرفه ای بود که آتش انقلاب فوریه را روشن کرد، آتشی که تخت تزاری را خاکستر کرد.»

حزب لنینی به کار تبلیغات در میان زنان در دوران تدارک انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر اهمیت زیادی می داد و برای این هدف، حزب فعالیت زیادی کرد، زیرا این یکی از شرایط نزدیک کردن انقلاب سوسیالیستی بود.

در همه جا سازمانهای کار و یا نهضت زن بوجود آمد و همچنین کمیسیونهایی که وظیفه شان تبلیغ در میان زنان بود تشکیل گردید. زنان با پدران، برادران و شوهران خود پیروزی انقلاب کتبر را تدارک دیدند. آنها عضو گارد سرخ شدند و گروههای خدمات بهداشتی ایجاد نمودند و مدارس پرستاری باز کردند. در برابر کارخانه ها و ستادهای

فرماندهی انقلاب به پاسبانی پرداخته و درحمله به کاخ زمستانی شرکت نمودند. درسنگرهای پتروگراد و مسکو و کیف و مینسک و شهرهای سبیری، اورال و آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز جنگیدند. با شرکت قهرمانانه خود در انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر زنان درخشنده ترین صفحات تاریخ جنبش کارگران زن، در روسیه را نوشتند. در چندین مقاله و سخنرانی، لنین نقش زنان را در مبارزه برای پیروزی اکتبر بسیار ارجمند دانسته است. او می گفت: «در پتروگراد و در اینجا (مسکو)، در شهرها و مراکز صنعتی دور افتاده، زنان پرولتر هنگام انقلاب خوب مقاومت کردند. ما بدون آنها نمی توانستیم پیروزی را بدست بیاوریم و یا به زحمت موفق می شدیم. این است عقیده من.»

مترجم: مریم فیروز

مجله هفته

۱۸ اسفند ۱۳۸۶

پی نویس ها:

- ۱- اوتوپبست. پنداری، ایده آلی، سیستمی که قابل اجرا نیست، زیرا پایه شناخت علمی اجتماعی ندارد.
- ۲- فیلسوف فرانسوی (۱۸۳۷-۱۷۷۲) او تصور می کرد که می شود برای مردم گروههائی ترتیب داد که برپایه کار، هماهنگی و آزادی وجود داشته باشد. پیشنهادی که باز هم برپایه علمی نبوده است.
- ۳- بنا بر سالنامه قدیم روسیه.

<http://www.edalat.org/sys/content/view/1318/>

منبع: تارنگاشت عدالت - و. ای. لنین، «در باره نقش زن در اجتماع»، مترجم: مریم فیروز، انتشارات حزب توده ایران، تهران، آبان

۱۳۵۸